

به نام خدا

بررسی عوامل مستعد کننده بزهکاری دانش آموزان

مولفان :

سمیرا لیشی

زینب طالبی

حکیمه مختارزاده

مریم محمدباقری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: لیثی، سمیرا، ۱۳۸۳
عنوان و نام پدیدآور: بررسی عوامل مستعد کننده بزهکاری دانش آموزان/ مولفان سمیرا لیثی،
زینب طالبی، حکیمه مختارزاده، مریم محمدباقری.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.
شابک: ۰-۱۲۳-۴۰۸-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: دانش آموزان - بزهکاری - عوامل مستعد کننده
شناسه افزوده: طالبی، زینب، ۱۳۵۸
شناسه افزوده: مختارزاده، حکیمه، ۱۳۵۹
شناسه افزوده: محمدباقری، مریم، ۱۳۶۳
رده بندی کنگره: PN۲۱۷۱
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۳۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۹۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: بررسی عوامل مستعد کننده بزهکاری دانش آموزان
مولفان: سمیرا لیثی - زینب طالبی - حکیمه مختارزاده - مریم محمدباقری
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زیرجد
قیمت: ۱۱۱۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۰-۱۲۳-۴۰۸-۶۲۲-۹۷۸
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	پیشگفتار
۹.....	فصل اول: عوامل جسمی و ذاتی بزهکاری
۱۰.....	شکل گیری شخصیت بزهکار
۱۵.....	فصل دوم
۱۵.....	عوامل زیستشناسانه و رفتار بزهکارانه
۱۶.....	-تأثیر عدم رشد و بیماری ها
۱۹.....	نقش بیماریها و نقیصه های عضوی در دادگاهها
۲۱.....	هورمون ها و غدد
۲۵.....	انتقال دهنده های عصبی
۲۷.....	- دستگاه عصبی مرکزی
۲۹.....	دستگاه عصبی خودکار
۳۲.....	-اجزای زیست شناسانه ی رفتار که واداشتی محیطاند
۳۵.....	فصل سوم:
۳۵.....	ارتباط جذابیت و نارسایی تنفسی با بزهکاری
۳۵.....	الف- جذابیت و کژرفتاری
۳۶.....	ناهنجاری های جزئی بدن
۳۷.....	رابطه بین نارسائیهای تنفسی و ناهنجاری رفتاری در کودکان
۳۹.....	فصل چهارم:

تأثیر سن، جنس و نژاد بر بزهکاری ۳۹

الف- تأثیر سن بر بزهکاری: ۳۹

رابطه سن با انواع جرائم ۴۳

ب- جنسیت و بزهکاری ۴۴

ج- بزهکاری، نژاد و هوشبر ۴۵

مبحث سوم - علل اکتسابی ارادی ۵۰

تأثیر محیط خانواده: ۵۲

مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی ۵۳

فصل پنجم: ۵۷

آلودگی های خانواده ۵۷

الف- محیط متشنج خانوادگی ۵۷

ب - رابطه طفل با والدین ۶۰

ج - از هم گسیختگی خانواده ۶۴

تصویر یک زندگی ۶۶

علت انتخاب کودکان ۲ چیز بود: ۶۹

د - اعتیاد اعضای خانواده ۶۹

فصل ششم: ۷۳

ناسازگاری و نابسامانی های موجود در خانواده ۷۳

الف- تقلیدپذیری ۷۳

ب - کمبود محبت ۷۶

ج - ناتوانی در تربیت ۷۹

- د- اختلاف خانوادگی ۸۱
- الف - دیدگاه فرهنگی ۸۳
- ب) اشتغال به کار مادر ۸۴
- ج) عدم حضور پدر در خانواده ۸۵
- د - کار کودکان ۸۷
- الف - تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد : ۹۰
- ب- مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان : ۹۱
- ج - اجتماعی کردن فرزندان : ۹۱
- د- تثبیت جایگاه و منزلت اجتماعی : ۹۱
- هـ - فراهم آوردن امنیت اقتصادی : ۹۲
- فصل هفتم: ۹۳**
- پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان ۹۳**
- الف- نقش خانواده، بعد از تولد طفل ۹۳
- » ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده« ۹۴
- برقراری دوستی و تفاهم بین والدین ۹۴
- هم بازی شدن با کودک و نوجوان ۹۴
- احتراز از رقابت در جلب محبت فرزندان ۹۵
- عدم ایجاد ناسازگاری در محیط خانه ۹۵
- عدم پرخاشگری نسبت به فرزندان ۹۶
- پرورش حس اعتماد به نفس ۹۶
- حفظ شخصیت فرزندان ۹۷

۹۸ ابراز مهر و محبت به فرزندان

۹۸ تأمین محیط مسکن مناسب

۹۹ «تامین نیازهای مادی و معنوی طفل»

۱۰۲ ب- نقش معلم در پیشگیری از بزهکاری

۱۰۵ ج- نقش حکومت ها در پیشگیری از بزهکاری

۱۰۹ منابع:

پیشگفتار

یکی از عوامل مؤثر در بزه‌کاری نوجوانان و جوانان معلم و نوع و نحوه ارتباط او با دانش‌آموزش است؛ چرا که معلم نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان دارد: از یک‌سو، با روش تربیتی خاص در جهت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان اقدام می‌کند و از سوی دیگر، به عنوان الگوی آنان مطرح می‌باشد. یک معلم آگاه می‌تواند یک جنایتکار بالقوه را به یک انسان سالم تبدیل کند. تجربه‌های دوران تحصیلی، به‌ویژه دوران دبستان و راهنمایی می‌تواند کودک را به یک جنایتکار تبدیل کند. ما وقتی راجع به فواید درس خواندن بحث می‌کنیم، حرف درستی می‌زنیم، اما اگر همراه این آموزش‌ها کاری کنیم که کودک سلامت روانی خویش را از دست بدهد، کار مثبتی نکرده‌ایم، بلکه در مقایسه می‌توان گفت: فرد کم‌سواد اما سالم بسیار بهتر از فرد باسواد اما بیمار است. برخی به حق می‌گویند: یکی از شغل‌های شریف معلمی است ولی باید پذیرفت معلمی شریف‌ترین شغل است، اما این عنوان به هر کسی که کت و شلواری بپوشد و گچی به دست بگیرد اطلاق نمی‌شود، این شرافت متعلق به معلمی است که به رشد متعادل و همه‌جانبه کودکان کمک کند. اگر معلمی با رفتارهای نادرست خویش تخم بزه‌کاری و جنایت را در دل کودکان بنشاند خود عامل اصلی جنایت است.

امروزه بیشتر کارشناسان تربیتی، محیط، شرایط مدرسه و روش‌های مختلف تربیتی را در سلامتی روان و رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان مؤثر می‌دانند. گاهی مدارس موقعیت‌های بسیار نامطلوبی برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند. در مدارس شلوغ، که معلمان با تعداد زیادی دانش‌آموز سروکار دارند، فرصت کمی برای انجام وظایفشان در

اختیار دارند و با این فرصت کم نمی‌توانند عملاً به بسیاری از مشکلات و نیازهای دانش‌آموزان توجه کنند. دانش‌آموزانی که در مورد وضع تحصیلی، اجتماعی و یا شخص خودشان به کمک نیاز دارند، اگر به آنان توجه نشود و امید به کمک را هم از دست بدهند، ممکن است به شیوه‌های جبرانی به رفتارهای بزهکارانه روی آورند تا از این راه، تا حدودی جلب توجه کرده، و احساس موفقیت نمایند. مدارس می‌توانند ضمن اجرای بهینه برنامه‌های آموزشی و درسی و فعالیت‌های متنوع فوق برنامه، در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان اقدام نمایند. در غیر این صورت، مسئله بزه‌کاری نوجوانان و جوانان و بخصوص آنانی که وضعیت خانوادگی مناسبی ندارند، روزبه‌روز حادث‌تر خواهد شد.

فصل اول: عوامل جسمی و ذاتی بزهکاری

امروزه مسأله بزهکاری اطفال و نوجوانان، از جمله مسائل بغرنج اجتماعی است که فکر اکثر دانشمندان را به خود مشغول داشته است. درباره علل افزایش بزهکاری در روزگار کنونی، عقاید مختلفی ابراز شده است. پاره ای از محققین ازدیاد جرم و جنایت را در جهان امروز از خصوصیات کنونی جوامع متمدن دانسته و معتقدند که به همان نسبت که بشر به سوی ترقی و تکامل صنعتی و مادی پیش می رود و از معنویت دور می شود، به همان نسبت نیز تبهکاری، قانون شکنی، بزهکاری و ارتکاب اعمال ضد اجتماعی توسعه و گسترش یافته و از سکون و آرامس معنوی در اینگونه اجتماعات کاسته می شود.

بعضی از صاحب نظران نیز افزایش تبهکاری در جوامع کنونی را ناشی از «سستی اعتقادات مذهبی و فتور ایمانی به مبدأ» دانسته چنین استدلال می کنند که بر اثر فروریختن اعتقادات و ضعف اخلاقی در جوامع شهرنشین «وجدان» که پلیس باطنی هر یک از افراد بشری است در اینگونه افراد دچار ضعف گشته و نمی تواند وظیفه اساسی خود را که پایداری از نیکی ها و پیش گیری از بدی هاست، به نحو کامل و شایسته ای به انجام رساند. بالاخره جمعی دیگر از اندیشمندان به این نتیجه رسیده اند که آنچه طفل بزهکار را به سوی بزهکاری سوق می دهد معلول دو دسته از عوامل جرم زاست : عوامل بزه ای داخلی و عوامل بزه ای خارجی.

عوامل بزه ای داخلی ناشی از ساختمان جسمی و روانی اطفال می باشد از قبیل: عوامل مادرزادی، عوامل ناشی از وراثت، عوامل ناشی از زایمان، ضربه های مغزی، طرز کار ترشحات غدد داخلی، عوامل متعدد روانی از قبیل نوروز، پیسکوز، پریشان روانی و امثال

آنها که در پیدایش بزهکاری اطفال و انحرافات آنان مؤثرند. عوامل بزه‌ای خارجی که ناشی از عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی است.

شکل‌گیری شخصیت بزهکار

شخصیت یک فرد یک «ساختار ایستایی» داده شده در آن لحظه است که شخص مورد آزمون، مرتکب جرم شده است، به عکس «ساختار پویا» است که تدریجاً در طی دوران شکل‌گیری شخصیت بوجود آمده و تا حدود ۲۵ سالگی و از آن پس تحت نفوذ عوامل گوناگون تحول آن تداوم می‌یابد.

*دکترین فلسفی مادرزادی بودن یا ناپایداری زمینه اگرچه این نکته حقیقت دارد که امروزه دیگر جرم‌شناسان پدیده مادرزادی بودن بزهکاری باور ندارند، مع‌ذک بعضی چنین اندیشیده‌اند که بر اثر عوامل گوناگون، زمینه خیلی سست‌تر و ناپایدار می‌شود و بدین‌سان آستانه بزهکاری را به نحوی مستقیم پایین می‌آورند و شخص را در برابر تأثیرات جرم‌زای محیط در شکل‌گیری و تحول شخصیت او حساس‌تر می‌سازند و از آنجا اهمیت مفهوم «زمینه» در جرم‌شناسی آشکار می‌شود.

مفهوم زمینه در شرایط زیست - روانی برای فعالیت بزهکار خلاصه می‌شود.

این مفهوم مخصوصاً متضمن خصائص ارثی و مادرزادی فرد است، همچنین تغییراتی را در بر می‌گیرد که در طول زندگی به‌وسیله ارگانیسم تحت تأثیرات بدنی یا روانی متحمل می‌شود. در حوزه زیست‌شناسی ادعا می‌شود اولاً میان وراثت کروموزومی، نژاد، شرایط بهداشتی قبل و بعد از تولد، جنس، سن و ارتکاب جرم رابطه وجود دارد و مجرم از نظر جسمانی از فرد طبیعی عقب‌افتاده‌تر است و ثانیاً تمایل به ارتکاب جرم و قانون‌شکنی به آن قسمت مغز مربوط است که نیازهای عاطفی، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، توجیه و تعدیل‌ها و نیروی انگیزه را کنترل می‌کند. اضافه بر این در مغز افراد متمایل به جرم در قسمت زیست‌خشونت نوعی ماده شیمیایی محرک به شکل فعال‌تر ملاحظه می‌شود و

به‌علاوه تفاوت‌هایی نیز در قسمت فوق چشمی مغز آنان مشهود است که در قسمت تنظیم رفتار مؤثر می‌افتد.

هر فرد دارای خصوصیات بیولوژیکی ویژه‌ای است. بعضی از این خصوصیات با افراد دیگر هم‌نوع فرد مشترک هستند که شاید بتوان تکامل و بقای آنها را به‌عنوان جزئی از گنجینه رفتاری انسان‌ها از ارزش آنها در حفظ و بقای آنها را به‌عنوان جزئی از گنجینه رفتاری انسان‌ها از ارزش آنها در حفظ و بقای آنها را به‌عنوان جزئی از گنجینه رفتاری انسان‌ها از ارزش آنها در حفظ و بقای نوع ناشی دانست.

بازتاب‌های ساده، پرهیز از محرک‌های دردناک و گریز از خطر نمونه‌هایی از این رفتارهای ژنوتیپی هستند که عمدتاً از موهبت ذاتی و ارثی سرچشمه می‌گیرند. خصوصیات دیگری از قبیل آستانه تحمل درد، حساسیت اتونومیک، شیوه رفتار به نظر می‌رسد بیشتر جنبه‌هایی از فردیت فنوتیپی شخص هستند. بسیاری از خصوصیات فرد احتمالاً از هنگام تولد با او هستند و می‌توان آنها را به‌عنوان نتیجه ترکیب ژن‌های رسیده از پدر و مادر و ارثی دانست. جز در مورد هم‌شکلان یکسان، هر فرد از لحاظ ترکیب دقیق خصوصیات ارثی با افراد دیگر فرق دارد و محققان رفتار باید این تفاوت‌های فردی را در نظر داشته باشند. اگرچه علم توارث در سال‌های اخیر پیشرفت زیادی کرده است، ما هنوز به اندازه کافی در این زمینه اطلاعات نداریم تا بتوانیم بین عوامل ژنوتیپی (ناشی از وراثت) و فنوتیپی (ناشی از محیط) کاملاً فرق بگذاریم.

به علت این نقص معلومات، تمام جنبه‌های رفتاری که ظاهراً از بدو تولد با فرد هستند به‌عنوان عوامل سرشتی نام برده می‌شوند. در این مرحله از تاریخ ما قدرت آن را نداریم که عوامل سرشتی را قبل از بروز آنها تحت نفوذ درآوریم. اگرچه تا حدودی می‌توانیم بعداً بعضی از آنها را تغییر داده و تحت کنترل ارادی خود درآوریم. به این ترتیب، یک فرد می‌تواند یاد بگیرد که برخلاف تمایلات سرشتی خود در مقابل محرک‌های دردناک یا حاکی از خطر عکس‌العمل مثبت نشان دهد، میزان تحمل خود را در برابر درد افزایش دهد، یا پاسخ‌های خودکاری از قبیل ضربان قلب و فشار خون خود را تغییر دهد.

به بیان دیگر که با زبان ژنتیک گفتگو می شود و به ژن غالب و بارز از یک سو و ژن مغلوب و نهفته از دیگر سو توجه می شود، بزهکاری اکتسابی و ثمره فاسد جامعه و معاشرت با اشخاص ناباب و بدان جلوه گر شده است. آنچه استنباط می شود که اگر بشر به حال خود رها می شد احتمالاً در جبر بیولوژیکی و روانی با خسران کاری خود به پرتگاه سقوط و انحطاط و زوال می افتاد. فلسفه تشریح برای رهایی انسان از جبر جنائی و اعتلای به مقام حریت و انسانیت است.

چزار لمبروز در سال ۱۸۷۶ در کتاب معروف خود «مرد جنایتکار» وجود «جانین مادرزادی» را پذیرفته است که حیات این گروه از تبهکاران از راه وراثت وقف بر جنایت است. این دسته از جنایتکاران در مسیر «تکامل انواع» متوقف مانده اند و همانگونه که چارلز داروین بیان داشته: جنایتکاران مادزادی نمایشگر قدیمی ترین انواعی هستند که در مسیر تکامل آنان انسان های به هنجار پدید آمده اند. لومبروز، از دیگر سو خصوصیات مربوط به سیماشناسی و روانی جنایتکاران را با افراد وحشی که در مقایسه با انسان های متمدن از مسیر تکامل بر کنار مانده اند مقایسه می کرد و اوصاف مشترک آنان: حرکات غیرعادی و ناگهانی، خشونت و سفاکی، فقدان عواطف لطیف را برمی شمرد و معتقد بود که وراثت در تبهکاری سهمی قاطع دارد و بر اساس پندار او، نه فقط سرنوشت بعضی از آدمیان، بلکه این سرنوشت نامیمون یک میراث تحمیلی و انتقال خصائصی است که به هنگام ولادت از والدین خود به همراه آورده اند و آنان را به کیفر قراردادی متعاقب ساخته است.

پس از نظریه لومبروز علم نوین ژنتیک موضوع را مجدداً بررسی نمود و به مسئله نقش استعداد های مادرزادی در جرم شناسی پرداخت، بی اعتباری و بطلان نظریه وی را اعلام داشت و امروزه می دانیم که نظریه لومبروز صحیح نیست و تیپ جانی مادرزادی وجود ندارد. طرفداران نظریه ارثی بودن تمایلات جنائی چنین دفاع می کنند که:

زن و شوهری که هر دو دارای چشمان آبی هستند لزومی ندارد که چشمان تمام فرزندان آنها آبی باشد زیرا وجوه امکان ترکیب کروموزوم های آن دو متعدد است. به ارقام

نجومی بیشتر شباهت دارد. یعنی از یک پدر و مادر اگر امکان تولید مثل نامحدود به فرض وجود داشته باشد تعداد:

$$2^{23} \times 2^{23} = 2^{46} = 7/038 \times 10^{13}$$

فرزند اگر بوجود آیند هیچ یک با یکدیگر شباهت تام و کامل ندارند. به همین مناسبت منش های انسانی از یکدیگر متمایزند و هیچ دو انسانی نیست که دارای یک منش باشند. بعضی از تمایلات و خصائص والدین در بعضی از اطفال آنها ظهور می کند و در بعضی دیگر انتقال نمی یابد.

طرفداران وراثت جنائی می گویند به همین مناسبت و برای حفظ جامعه از دستبرد جنایتکاران مسائل دقیق و ظریف «بهبسازی نسل» یا اوژنیسم پدید آمده است. تا از انتقال ژن های شوم که ناقل خصائص زشت و بدفرجام است جلوگیری شود.

فصل دوم

عوامل زیست‌شناسانه و رفتار بزهکارانه

در این قسمت به طور مستقیم بر نقشی که خصیصه‌های زیست‌شناسانه در منشأهای رفتار مجرمانه، مستقل از هرگونه همبستگی با نمود جسمانی یا نقیصه‌های روانی دارد توجه می‌شود. برخی از این خصیصه‌های زیست‌شناسانه، ژنتیکی و ارثی اند، یعنی حاصل ژن‌هایی هستند که افراد در زمان انعقاد نطفه از پدر- مادر خود دریافت می‌کنند. دیگر خصیصه‌ها از دگرش‌های ژنتیکی که در زمان انعقاد نطفه روی می‌دهد یا به هنگام قراردادش رویان در رحم گسترش می‌یابد، حاصل می‌شود این گروه از خصیصه‌های زیست‌شناسانه ژنتیکی اند، ولی ارثی نیستند. با وجود این خصیصه‌های دیگر ممکن است به واسطه محیط پیرامون شخص، همچون آسیب‌دیدگی یا تغذیه ناکافی، حاصل شود. این خصیصه‌های زیست‌شناسانه نه ژنتیکی اند و نه ارثی.

نظریه‌های زیست‌شناسانه اولیه در جرم‌شناسی این دیدگاه را برگزیدند که ساختار تعیین‌کننده کارکرد است - یعنی، افراد به خاطر این واقعیت اساسی به‌گونه‌ی متفاوتی رفتار می‌کنند که از لحاظ ساختاری تا اندازه‌ای با هم متفاوت اند. این نظریه‌ها به شدت به خصیصه‌های ارثی توجه نمودند. به عکس، نظریه‌های زیست‌شناسانه‌ی مدرن در جرم‌شناسی، گستره کاملی از خصیصه‌های زیست‌شناسانه، از جمله خصیصه‌های حاصل از نقیصه‌های ژنتیکی (که ارثی نیستند) و خصیصه‌های ناشی از محیط را بررسی می‌کنند. افزون بر آن، نظریه‌های مدرن بر این اعتقاد نیستند که خصیصه‌های زیست